

سرشناسه	: پاشنگ، مصطفی، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ نام‌های کهن و باستانی استان‌های مرکزی و قم / نویسنده: مصطفی پاشنگ
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۸ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۳۱۷ - ۰۲۶ - ۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: روستاها - ایران - استان مرکزی - نام‌ها
موضوع	: Villages - Iran - Markazi(Province) - Names
موضوع	: روستاها - ایران - قم (استان) - نام‌ها
موضوع	: Villages - Iran - Qom(Province) - Names
رده‌بندی کنگره	: DSR ۲۰۵۳
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۱۳
شماره کتابخانه ملی	: ۸۸۸۸۵۵۴



فرهنگ نام‌های کهن و باستانی

استان‌های مرکزی و قم

نویسنده: مصطفی پاشنگ

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۴۰۱

چاپ صدف: ۳۰ نسخه (سی نسخه)

۱۴۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری،

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvanashr.ir

۹۷۸ - ۶۲۲ - ۳۱۷ - ۰۲۶ - ۳

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

فهرست مطالب

۵.....	پس‌گفته
۹.....	گفتار
۱۹.....	فصل اول
۱۹.....	فهرست نام‌های کهن و باستانی استان‌های کم (قم) و مرکزی
۱۳۹.....	فصل دوم
۱۳۹.....	نام‌های کهن و باستانی استان‌های کم (قم) و مرکزی
۲۶۷.....	فصل سوم
۲۶۷.....	مردم‌شناسی زبان
۲۷۴.....	کوتاهی در زمینه‌ی زبان پارسی
۲۷۵.....	نمادهای آیین مهر
۲۷۵.....	نمادهای هفت‌گانه‌ی آیین مهر
۲۷۸.....	نمادهای دوازده‌گانه‌ی آیین مهر یا آیین زندگی
۲۷۹.....	نماد یکم: خورشید
۲۸۳.....	نماد دوم: زندگی
۲۹۰.....	نماد سوم: درخشانی
۲۹۵.....	نماد چهارم: زیبایی
۳۰۱.....	نماد پنجم: خوشبختی، فراوانی
۳۰۳.....	نماد ششم: کوه

۳۰۶.....	نماد هفتم: بالندگی.....
۳۰۹.....	نماد هشتم: آموزش، نوآوری، ساختن.....
۳۱۳.....	نماد نهم: ور (var) = باغ.....
۳۱۶.....	نماد دهم: کا (kā) = دوست داشتن.....
۳۱۷.....	نماد یازدهم: توانمند.....
۳۲۰.....	نماد دوازدهم: ماتّه (mān-teh) (ساخته شده از خرد).....
۳۲۲.....	بررسی و نگاه دوباره.....
۳۲۵.....	چگونگی زبان پارسی.....
۳۲۶.....	ساختمان زبان پارسی.....
۳۳۲.....	زبان فارسی یا زبان پارسی.....
۳۳۴.....	زبان فارسی.....
۳۳۴.....	زبان فرهنگ.....
۳۳۷.....	کتابنامه‌ها.....

چکیده

سخنی کوتاه

پژوهش میدانی در زمینه‌ی استان مرکزی چند دهه‌ی پیش آغاز شده بود، داشت به سرانجام می‌رسید که استان کم (هم) از دل استان مرکزی بیرون آمد و سپس گروهی از روستاها، دهستان نامیده شدند و گروهی از دهستان‌ها بخش و گروهی از بخش‌ها، شهر نامیده شدند و گریبان‌کشی که چه روستاهایی جزو کدام شهر باشد، آغاز شد و چنان پرشتاب روستاهایی از این شهر به آن شهر داده و یا گرفته شد که سازمان جغرافیایی کشور هم در این جابه‌جایی واماند.

ما پژوهشگران میدانی که هیچگاه دیده نشدیم تا بالندگی و واماندگی ما نمایان شود. همیشه در هوای تم و مه‌آلود سرگردان بوده‌ایم و این جابه‌جایی‌ها مرزهای جغرافیایی فرمایشی برای ما پژوهشگران میدانی کمی گیج کننده شده. مانند اینکه تا نوشتیم روستایی ز دهستان دستگرد است، دستگرد بخش نامیده شد و سپس شد دستگرد و سپس از اراک گرفته شد و به استان کم (نیزار) (قم) سپرده شد و یا تا نوشته شد روستایی از بخش خنجین است، خنجین شهر نامیده شد و چند روستا را از آن خود کرد و در کنارش دهستانی مانند تلخاب شهر نامیده شد. این دگرگونی‌ها و جابه‌جایی‌ها کم و بیش دردسرساز شده است، زیرا پژوهش میدانی در زمینه‌ی نام‌های کهن و باستانی هم کاری بس زمان‌بر است و در شتاب اینگونه دگرگونی‌ها و خواهد ماند.

تا اینجا که انجام شده و به چاپ رسیده چند دهه به درازا کشیده است و فراوان پیش آمده که روستایی از بخش شازند بوده سپس به سربند داده شده و یا به شهر خنداب سپرده شده است و یا دوباره جابه‌جا شده است و یا هر ساله استان کم (قم) به سوی پیشروی و بزرگ شدن است و از استان‌های دیگر می‌کاهد و به خود می‌افزاید. ناگزیر ما این آشفتگی را رها کردیم، زیرا از دیدگاه ما پژوهشگران استان‌های مرکزی و کم (قم) دو استان از ایران است و زمینه‌ی این کتاب نام‌های دوران کهن و باستان شهرها و روستاها و کوه‌ها و کشتزارها و سرزمین‌هایی است که هم‌اکنون جزو این دو استان هستند. اما زمینه‌ی سخن ما در این کتاب شناسایی و ریشه‌یابی نام‌های کهن و باستانی استان (کم = قم) و مرکزی است، زیرا اندام‌های زبانی ژرف‌ساخت این نام‌ها، اندام‌های زبانی زبان پارسی است و گروهی از این اندام‌های زبانی گزارشگر گوشه‌های تاریکی از زبان فرهنگ مردم ایران‌زمین را از دیرینه‌ترین روزگاران آن هم دورانی که همیشه با گمان گمانه همراه بوده است به ویژه دوران کهن و باستان که دوران بالندگی و درخشانی فرهنگ مردم ایران نامیده می‌شود.

از سوی دیگر هیچ دگرگونی پیش نمی‌آید که نام اری جی (ari-ji) درستی و راستی و خرد جزو استان مرکزی باشد و یا جزو استان (کم) و یا جزو بخش کهک (درخشان کوچک) یا جزو دستگرد (شهر تماشایی) باشد. اما یک گویشور پارسی‌زبان می‌خواهد بداند که به چه مان (معنی) است و چگونه ساخته شده است و چه کسانی و در چه روزگارانی این نام زیبا را گذاشته‌اند و با نگاهی گذرا به همه‌ی نام‌های این کتاب می‌خواهد بداند که این نام‌های زیبا بر چهارچوب چه دستور زبانی ساخته شده است و یا در دوران کهن و باستان چه مردمانی در این سرزمین‌ها زندگی می‌کرده‌اند که به گمانه می‌توان گفت گروهی از همان مردمان نیاکان گروهی از مردم امروز این استان نامیده می‌شوند و یا آن نیاکان با چه زبانی سخن می‌گفته‌اند، زیرا زمینه‌ی سخن در این کتاب زبان است، زبانگونه و گویش نیست و چون زمینه‌ی سخن زبان‌شناسی و شناخت ارزش‌های فرهنگی و زبانی این دو استان است شاید روستایی از شهر دیگر و یا بخشی دیگر برای بخش و یا شهری دیگر نوشته شده باشد.

با اینکه این بده‌بستان‌ها استوار نیست اما نگارنده از این نادرستی‌ها پوزش‌خواهی می‌کند، زیرا چند دهه پژوهش میدانی بدون دست یاری دست‌اندرکاران فرهنگی کار آسانی نبوده و نیست و این جابه‌جایی‌ها خود بر سنگینی کار می‌افزوده است. اما از

دیدگاه نگاره باید گوهر فرهنگ و زبان فرهنگ مردم ایران زمین که در سایه روشن زمانه فروتار شده است آشکار شود. چه آن گوهر از سرزمین کم (نیزار) (قم) باشد و چه پیرامون کوه مس (کوه بزرگ) در روستای فردیگان، زیرا گوهر، گوهر است و همه‌ی نام‌های کهن و باستانی این دو استان گنجینه‌ای پربها و به گونه‌ای کلید شناخت فرهنگ ایران زمین خواهد بود.

پیش از هر سخن شایسته است که به فهرست نام‌های کهن و باستانی شهرها و کوه‌ها و روستاها و... نگاه کنید. دست‌کن کنجکاو خواهید شد و اگر این نام‌های گوهریک را با نام‌های کوچه‌ها و خیابان‌های امروزی هم‌سنجی کنید، بی‌گمان شگفت‌زده خواهید شد و از خود خواهید پرسید:

۱- این نام‌ها در چه روزگارانی ساخته شده است.

۲- چه کسانی این نام‌ها را ساخته‌اند.

۳- دارای چه آیینی بوده‌اند.

۴- بر چه چهارچوب و دست‌ورزانی ساخته‌اند.

و هنگامی که درمی‌یابید این نام‌ها پارسی هستند آنگاه شاید کمی برای شما ناباور باشد و اگر با درنگ بیشتر به آن نام‌ها نگاه کنید و با دانش خود که آموزه‌های آن زبان فارسی بود (نه پارسی) بی‌گمان درخواهید یافت که زبان فارسی، زبان پارسی نیست، در کتاب «پارسی زبانی پنج هزار ساله» با سندهای بسیار استوار نمایان شده است که زبانتگونه فارسی زبان پارسی نیست و ژرف‌ساخت این نام‌های کهن و باستانی اندام‌های زبانی، زبان پارسی است و تاکنون با تکیه بر پژوهش‌های میدانی بیش از بیست هزار نام کهن و باستانی شناسایی و ریشه‌یابی شده است که در کتاب‌های فرهنگ نام‌های کهن و باستانی استان‌های: تهران- سپاهان (اصفهان)- یزد- کرمان- فارس (پارس)- سیستان و بلوچستان- لرستان- گیلان- مازندران- خوزستان نوشته شده و به چاپ رسیده است و این بیش از بیست هزار نام کهن و باستانی گزارش‌کننده‌ی ژرف‌ساخت زبان پارسی است که در تیره روشن زبانه در سایش زبانی و زمانی بی‌پناه رها شده است. اکنون گروه فراوانی از آن نام‌ها با ژرف‌ساخت و مان (معنی) در این کتاب کوچک گرد آمده است.

اگرچه هنوز گروه و فراوانی از آن نام‌های گوهریک که گزارشگر چند هزار سال فرهنگ و زبان فرهنگ مردم این سرزمین‌ها است شناسایی نشده و در سایش زمانی و زبانی و در تازش تازی‌گری چنان دگرگون شده است که از هسته‌ی زبان پارسی دور

افتاده و نیازمند پژوهش‌های ژرف‌نگر با درنگ بیشتر است. اما آنچه که تاکنون شناسایی و ریشه‌یابی شده است اندک نیست آنچنان هست که بتوان با تکیه بر این نام‌های کهن و باستانی گوشه‌هایی از زبان پارسی و فرهنگ گرانسنگ پارسی‌زبانان به ویژه ایرانیان را با تکیه بر پژوهش‌های میدانی گسترده و ژرف‌نگر با دانش اندک خود با سندهای استوار گزارش کرد.